عشق ممنوع، انگیزه قتل شوهر

■ زن جوان به همدستی با برادرشوهرش در قتل اقرار کرد

شرق: زنی بعد از برقراری رابطه پنهانی با برادر شوهرش از او برای قتل همسر خود کمک گرفت.

در آخرین روز اردیبهشت سال جاری مردی که از جاده‌ای در حاشیه مشهد عبور می‌کرد، وقتی شیء مشکوکی را زیر یک پل دید به طرف آن رفت و متوجه شد این شیء در واقع جنازه مردی جوان است. او پلیس را مطلع کرد و دقایقی بعد کارآگاهان جنایی در محل حادثه حضور یافتند و پیکر بی‌جان را در حالی مشاهده کردند که تکه طناب سفیدی دور گردنش بسته شده بود و مقداری از همان طناب نیز با فاصله کمی از جنازه دیده می‌شد و در نگاه اول به نظر می‌رسید این مرد خودش را از پل حلق‌آویز کرده است اما ماموران وقتی محدوده کشف جسد را بررسی کردند به نشانه‌هایی دست یافتند که ثابت می‌کرد متوفی در محل دیگری جان باخته و سپس پیکر او به این مکان منتقل شده است.

جسد در شرایطی به پزشکی قانونی انتقال یافت که هیچ سرنخی از هویت او و علت و چگونگی مرگش وجود نداشت. متخصصان سازمان پزشکی قانونی بعد از انجام معاینه‌های لازم اعلام کردند روی گردن متوفی شیاری عمودی دیده می‌شود که نشان می‌دهد او خودکشی نکرده بلکه به دلیل انسداد مجاری تنفسی به قتل رسیده است. به این ترتیب پرونده وارد فاز تازه‌ای شد و این بار کارآگاهان با انگشت‌نگاری از مقتول تلاش کردند هویت او را فاش کنند. آنها متوجه شدند آثار انگشت با اطلاعات ثبت شده درباره مردی سابقه‌دار همخوانی دارد. این مرد ۳۰ ساله ناصر نام داشت و عکس او نیز بسیار شبیه به مقتول بود به همین خاطر از خانواده ناصر دعوت شد تا به سردخانه پزشکی قانونی بروند. آنها بعد از دیدن جسد هویت وی را تایید کردند.

بعد از گشوده شدن گرهی دیگر از این معما، کارآگاهان همسر مقتول را که مروارید نام دارد، تحت بازجویی قرار دادند و از او در این باره سوال کردند که چرا مفقود شدن شوهرش را به پلیس گزارش نداده بود. این زن گفت: «ناصر معتاد بود و من فکر می‌کردم دنبال مواد مخدر رفته یا به علت مصرف بیش از حد، در

گوشه‌ای جان باخته است برای همین هم به موضوع اهمیت ندادم.»

اختلافات مروارید با شوهرش و بی‌اعتنایی او به مفقود شدن ناصر، ظن پلیس را نسبت به این زن برانگیخت اما از آنجایی که مدرکی علیه وی وجود نداشت او آزاد شد سپس کارآگاهان تحقیقات نامحسوس خود را پی گرفتند و با بررسی مکالمات تلفنی و پیامک‌های ارسالی و دریافتی مروارید، متوجه شدند این زن قبل و بعد از کشف جنازه با برادرشوهرش به نام نیما مرتب در تماس بوده است. کشف پیامک‌های عاشقانه‌ای که این دو با هم رد و بدل کرده بودند به مهم‌ترین مدرک علیه مروارید و نیما تبدیل شد و آن دو بازداشت شدند اما اتهام قتل را انکار کردند و گفتند هیچ اطلاعی از این واقعه ندارند.

زن جوان وقتی فهمید موضوع رابطه‌اش با نیما فاش شده است، بالاخره به جرمش اقرار کرد و گفت: «من و نیما به هم علاقه‌مند شده بودیم و مرتب با هم در تماس بودیم. از طرفی من با ناصر به شدت اختلاف داشتم و او روزگارم را سیاه کرده بود. برای همین به دنبال راهی بودم تا او را از سر راه بردارم و بتوانم با نیما زندگی کنم. این فکر، ذهنم را مشغول کرده بود تا اینکه نقشه قتل را طراحی کردم و با نیما در میان گذاشتم. او نیز با برنامه‌ای که ریخته بودم موافقت کرد.»

متهم ادامه داد: «شب حادثه بعد از اینکه ناصر و دو فرزند ۸ و ۱۰ ساله‌ام خوابیدند، با نیما تماس گرفتم و او خودش را به خانه‌مان رساند و از حیاط طناب سفیدرنگی را برداشت تا با آن برادرش را بکشد. ما بالای سر ناصر رفتیم و طناب را دور گردنش انداختیم و هرکدام از یک طرف کشیدیم تا اینکه شوهرم خفه شد.» ماموران در ادامه تحقیقات به بازجویی از نیما پرداختند. او وقتی فهمید همدستش حقایق را برملا کرده است جرمش را قبول کرد و گفت: «من به مروارید علاقه داشتم اما رابطه‌مان فقط در حد پیامک و مکالمات تلفنی بود. شب حادثه هم طبق نقشه به خانه برادرم رفتم و با کمک همسر او، قتل را انجام دادم بعد جنازه را در صندوق عقب پراید ناصر انداختم و به منطقه‌ای بیابانی و کم‌تردد بردم و زیر یک پل انداختم و مقداری از طناب را هم کنار جسد قرار دادم تا پلیس تصور کند ناصر خودکشی کرده است.»

بنا به این گزارش، در حال حاضر تحقیقات از دو متهم به قتل ادامه دارد.

انتقام‌گیری مرگبار شاگرد معتاد از مرد آرایشگر

شرق: راز مرگ مرد آرایشگری که تصور می‌شد در سانحه رانندگی جان خود را از دست داده است با اعترافات شاگرد سابق او فاش شد. ماموران پلیس شامگاه ۱۶ تیر در جریان تصادف خودرویی با عابر پیاده در جنت‌آباد قرار گرفتند و بعد از حضور در محل حادثه فهمیدند خودروی پژو ۴۰۵ با مردی میانسال تصادف کرده و مجروح به بیمارستان انتقال یافته است. ساعاتی بعد، از بیمارستان در حالی که راننده پژو در بازداشت بود خبر رسید مرد ۶۵ساله که جمشید نام داشت باوجود تلاش‌های کادر درمانی به علت شدت جراحات جان خود را از دست داده است. به این ترتیب پرونده‌ای تشکیل شد و در اختیار بازپرس دادسرای ناحیه ۵ تهران قرار گرفت.

وقتی تحقیق درباره تصادف مرگبار آغاز شد، همسر جمشید راننده را شناخت و به بازپرس پرونده گفت: «این جوان که کاوه نام دارد مدتی به عنوان شاگرد در مغازه شوهرم کار می‌کرد. همسر من آرایشگاه داشت و کاوه نیز شاگرد او بود. اوایل مشکلی با هم نداشتند تا اینکه جمشید فهمید کاوه به موادمخدر اعتیاد دارد، چند بار به او تذکر داد تا مواد را ترک کند ولی فایده‌ای نداشت و در نهایت شوهرم برای اینکه در مغازه مشکلی برای مشتریان پیش نیاید مجبور شد شاگردش را اخراج کند. من وقتی فهمیدم کسی که با همسرم تصادف کرده کاوه است خیلی تعجب کردم.» این موضوع به نظر بازپرس پرونده نیز مشکوک بود به همین دلیل دستور داد بازجویی‌های تخصصی از متهم انجام شود. کاوه که در مراحل اولیه تحقیق مدعی شده بود مرگ جمشید فقط یک حادثه ناخواسته بود، در ادامه اعتراف کرد به عمد مقتول را زیر گرفته است. این جوان گفت: «جمشید آرایشگری حرفه‌ای بود و در مدت نزدیک به یک سالی که نزد او کار می‌کردم همه فوت و فن کار را به من یاد داد. در دوره‌ای که در مغازه وی کار می‌کردم زندگی خوب و خوشی داشتم اما جمشید فهمید من معتاد هستم و از آن به بعد مشکلاتم شروع شد. او سعی کرد کاری کند که اعتیادم را ترک کنم ولی نتوانست برای همین مرا اخراج کرد و گفت تا وقتی موادمخدر را کنار نگذاشته‌ام حق ندارم پایم را در آرایشگاه او بگذارم.» متهم ادامه داد: «از همان موقع از جمشید کینه به دل گرفتم و دنبال فرصتی برای انتقام‌گیری بودم تا اینکه روز حادثه سوار بر ماشین نزدیک آرایشگاه کشیک دادم، وقتی جمشید مغازه را تعطیل کرد جلو رفتم و بعد از سلام و احوالپرسی به او گفتم سوار شود تا به خانه برسانمش. جمشید قبول کرد و در بین راه با هم حرف زدیم و من به او گفتم اعتیادم را ترک کرده‌ام و به‌زودی به مغازه برمی‌گردم تا بار دیگر با وی کار کنم. جمشید از شنیدن این حرف خیلی خوشحال شد.» کاوه در ادامه اعترافاتش چنین گفت: «وقتی به نزدیکی خانه جمشید رسیدیم، او پیاده شد، من بلافاصله دنده عقب گرفتم و از قصد با ماشین به وی کوبیدم و او را زیر گرفتم. می‌خواستم بعدا این طور وانمود کنم که ماجرا تصادف بوده است.» بنابر این گزارش متهم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تلاش کارآگاهان برای افشای ابعاد دیگر این جنایت ادامه دارد. این در حالی است که پرونده نیز در اختیار بازپرس جنایی قرار گرفته است.

دختر جوان در دام خواستگار فریبکار

شرق: پسران جوانی که دختری را به خانه کشانده و او را مورد آزار قرار داده بودند، با وجود انصراف شاکی از پیگیری پرونده، از سوی دادگاه به ۱۵ سال حبس و شلاق محکوم شدند. به گزارش خبرنگار ما، یک سال قبل دختری جوان گریان به ماموران پلیس ورامین مراجعه کرد و گفت توسط پسر موردعلاقه‌اش و دوستان او مورد آزار قرار گرفته‌است. این دختر در بازجویی‌ها گفت: یک سال قبل با پسری آشنا شدم که ظاهری بسیار ساده داشت. بعد از مدتی او گفت مرا دوست دارد و می‌خواهد با من ازدواج کند. رابطه‌ام با او بیشتر و جدی‌تر شد و بیشتر به او اعتماد کردم، فکر می‌کردم می‌توانم به او اعتماد کنم. وقتی رابطه ما بیشتر شد یک روز از من خواست به خانه یکی از دوستانش بروم و با هم بیشتر صحبت کنیم. گفت تو دیگر همسر من هستی و همین روزها تو را عقد می‌کنم. از آنجایی که گفته بود دوستش در منزل نیست قبول کردم با هم به خانه دوستش برویم. دروغ نگفته بود کسی در منزل نبود. ما مدتی با هم حرف زدیم و بعد پیشنهاد پسر جوان را برای برقراری رابطه قبول کردم. من فکر می‌کردم او واقعا مرا دوست دارد و خودم را در جایگاه همسر او می‌دیدم. این دختر ادامه داد: ساعتی بعد در حالی‌که فکر می‌کردم قرار است از آن خانه برویم آماده شدم اما ناگهان زنگ در زده شد و دو مرد جوان وارد شدند؛ آنها دوستان پسر جوان بودند، وارد خانه شدند و به زور من را مورد آزار قرار دادند. پسری که دوستش داشتم با آنها همراهی و وادارم کرد به خواسته دوستانش تن بدهم. ماموران با توجه به شکایتی که از سوی این دختر مطرح شده‌بود تحقیقات خود را آغاز کردند و به دستور بازپرس شاکی به پزشکی قانونی فرستاده شد. همچنین پسرانی که از سوی آنها معرفی شده بودند برای بازجویی بازداشت شدند.

آنها در ابتدا منکر جرم خود بودند اما سرانجام لب به اعتراف گشودند و قبول کردند دختر جوان را به زور مورد آزار قرار داده‌اند. سپس پرونده برای تکمیل تحقیقات به شعبه ۷۸ دادگاه کیفری‌استان تهران فرستاده شد. متهمان در بازجویی‌های قضایی هم قبول کردند دختر جوان را به زور مورد آزار قرار داده‌اند.

با تکمیل پرونده وقت رسیدگی تعیین شد و سه مرد جوان به دادگاه منتقل شدند، دختر جوان که شاکی پرونده بود نیز وارد دادگاه شد. او گفت: وقتی با پسر موردعلاقه‌ام وارد خانه شدم، او گفت تنهاست ما با هم رابطه داشتیم و من قبول دارم با میل خودم این رابطه را برقرار کردم چون فکر می‌کردم او من را دوست دارد و قرار است با هم ازدواج کنیم اما بعد متوجه شدم من را به آن خانه برده است تا قربانی کند و در اختیار دوستانش قرار بدهد.

شاکی گفت: چند ساعتی در آن خانه بودیم تا اینکه درست زمانی‌که من آماده شدم تا از خانه بیرون بروم، زنگ در زده شد، خیلی دستپاچه شده بودم. دو پسر جوان وارد منزل شدند، یکی از آنها صاحبخانه بود. خواستم از خانه بیرون بروم که به زور مرا مورد آزار قرار دادند و پسر جوانی که دوستش داشتم و فکر می‌کردم به من علاقه‌مند است با آنها همدستی کرد. آنها به التماس‌های من هیچ توجهی نکردند و به زور این کار را انجام دادند.

سپس پسر جوانی که با شاکی رابطه برقرار کرده‌بود به عنوان متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد. این مرد که قبلا اقرار کرده بود با دوستانش همدستی کرده و دختر جوان را در اختیار آنها قرار داده‌است اعترافاتش را پس گرفت و گفت: من با دختر جوان بودم و او هم راضی بود اما قرار نبود دوستانم به او تعرض کنند. روز حادثه من با دوستم صحبت کردم و او گفت چون پدر و مادرش مسافرت هستند من می‌توانم به خانه‌اش بروم. چند ساعتی که گذشت با دوستم تماس گرفتم و گفتم ما می‌خواهیم برویم. او گفت صبر کن من بیایم. من نمی‌دانستم او می‌خواهد به دختر موردعلاقه من تعرض کند.

پسر جوان در پاسخ به این سوال که چرا به دوستانش اعتراض نکرد و دفاعی از دختر موردعلاقه‌اش انجام نداد گفت: این دختر اول اعتراض کرد اما بعد خودش رضایت داشت و من هم به همین خاطر چیزی نگفتم.

سپس متهمان دیگر در جایگاه حاضر شدند. آنها توضیح دادند با تماس تلفنی متهم ردیف اول متوجه شدند او دختر موردعلاقه‌اش را به آنجا برده‌است و با هم رابطه داشته‌اند و او به آنها پیشنهاد داد به خانه بروند و با این دختر رابطه برقرار کنند.

متهم ردیف دوم گفت: دوستم به ما گفت دختر خودش هم راضی است و بعد هم که وارد خانه شدیم دختر جوان مقاومتی نکرد. این مرد وقتی در برابر این سوال قرار گرفت که چرا در بازجویی‌ها حرف دیگری زده و توضیح داده بود دختر را وادار به این رابطه کرده، گفت: اعترافاتم دروغ بود و واقعیت همین است که حالا گفتم

بعد از پایان جلسه محاکمه در حالی‌که هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شده بودند، دختر جوان یک‌بار دیگر به دادگاه مراجعه کرد و گفت که با توجه به درخواست خانواده متهمان، تصمیم گرفته است شکایت خود را پس بگیرد.

بنابراین هیات قضات با توجه به این رضایت، متهمان را در آدم‌ربایی مجرم شناختند و علاوه بر اینکه آنها را به خاطر رابطه نامشروع به صد ضربه شلاق محکوم کردند به جرم آدم‌ربایی برای هریک مجازات پنج سال زندان در نظر گرفتند.

دریچه

عکس: Reuters

مانیل زیر آب رفت

بی‌بی‌سی: بارش بی‌وقفه باران و جاری‌شدن سیل در پایتخت فیلیپین دست‌کم ۱۶ نفر را به کام مرگ کشاند و نیمی از شهر زیر آب رفت و ارتفاع آب در برخی نقاط به سه متر رسیده است. نیروهای امداد با استفاده از قایق در تلاش هستند تا سیل‌زدگان را به مناطق امن منتقل کنند. همچنین جاری‌شدن سیل در برخی مناطق این شهر موجب تعطیلی برخی مدارس و ادارات شده است. مرکز مقابله با بلایای طبیعی «مانیل» بارش‌های اخیر را فاجعه خواند. تاکنون بیش از ۸۰ هزار سکنه این منطقه در چادرهای امداد اسکان داده شده‌اند. این درحالی است که برخی نیز از بیم غارت حاضر به ترک خانه‌هایشان نیستند.

پنج قاره

اعدام قاتل معلول ذهنی در آمریکا

■ **آسوشیتدپرس:** مرد متهم به قتلی که گفته می‌شد معلول ذهنی است، بعد از جنجال‌های بسیار با تزریق سم اعدام شد. مارویین‌لی ویلسون ۵۴ساله به جرم آدم‌ربایی و قتل یک مامور پلیس در ۱۹۹۲ به اعدام محکوم شده بود که حکم وی بعدازظهر سه‌شنبه به مرحله اجرا درآمد. متخصصان پس از بررسی وضعیت عقلی وی تایید کرده بودند که او از هوش پایین‌تر از حد معمول برخوردار است؛ از این‌رو وکلای مدافع ویلسون از دیوان‌عالی آمریکا خواسته بودند تا حکم اعدام وی را لغو کنند اما دادگاه معلولیت ذهنی ویلسون را نپذیرفت و حکم او اجرا شد.

نوجوان ۱۵ساله، متهم تجاوزهای سریالی

■ **دیلی‌میل:** پلیس انگلیس در پی وقوع چند مورد تجاوز سریالی، نوجوان ۱۵ساله‌ای را به عنوان مظنون دستگیر کرد. بنا بر اعلام پلیس محلی شهر «منچستر»، متهم در چند هفته گذشته در مناطق مختلفی از خیابان‌های این شهر با حمله به چند زن آنان را مورد تجاوز قرار داده است. سخنگوی پلیس محلی «منچستر» گفت: انتشار خبر وقوع چندین مورد تجاوز سریالی موجب نگرانی ساکنان شده است. باید مردم را مطمئن کنیم که عامل آن را دستگیر کرده‌ایم. او افزود: در مراحل اولیه بررسی این پرونده هستیم و تحقیقات در حال انجام است و با شنیدن صحبت‌های قربانیان به دنبال سرنخ‌هایی برای روشن‌شدن هرچه سریع‌تر پرونده هستیم. پلیس «منچستر» با اعلام اینکه چند مورد تجاوز جنسی که در هفته‌های اخیر در این منطقه اتفاق افتاده است، با یکدیگر ارتباط دارد، تصریح کرد: کارشناسان در حال بررسی تصاویر ضبط شده در دوربین‌های نصب شده در مناطق وقوع جرم هستند تا پس از تطابق با اظهارات قربانیان متهم واقعی را به مجازات برسانند.

قتل در تاکسی

■ **ایسنا:** پلیس انگلیس از دستگیری مردی به اتهام ارتکاب قتل داخل تاکسی در شهر «بیرمنگام» خبر داد. پلیس محلی شهر «بیرمنگام» پس از دستگیری مظنون ۲۸ساله اعلام کرد: این مرد به اتهام وارد کردن ضربات چاقو به یکی از مسافران تاکسی و قتل وی دستگیر شد و هم‌اکنون تحت بازجویی قرار دارد. پلیس محلی شهر «بیرمنگام» با اعلام اینکه شواهد نشان می‌دهد این مرد و زن از مسافران تاکسی بودند، تصریح کرد: مظنون به قتل از قبل از وقوع جنایت با مقتول آشنایی داشت. پلیس «بیرمنگام» پس از اطلاع از وقوع این چاقوکشی به محل حادثه اعزام شد و جسد زن را که بر اثر ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود، پیدا کرد. سخنگوی پلیس محلی «بیرمنگام» گفت: مظنون به قتل و راننده تاکسی برای روشن‌شدن جزییات وقوع این جنایت تحت بازجویی قرار دارند.

رخداد

قتل با ادعای دفاع از همسر

■ **شرق:** مردی که متهم است جوانی را به قتل رسانده ادعا کرد مقتول مزاحم همسر او می‌شد. متهم ۲۸ ساله که حبیب نام دارد روز پنجم اردیبهشت سال ۸۸ پسر جوانی به نام مرتضی را با ضربه چاقو به قتل رساند. در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد مادر مقتول به عنوان ولی‌دم برای متهم تقاضای قصاص کرد. سپس متهم که ۹فقره سابقه کیفری دارد با قبول اتهاماتش گفت: حدود دو سال بود با ساناز آشنا شده و او را به عقد موقت خود درآورده بودم. شب حادثه در خانه خوابیده بودم که ساناز با من تماس گرفت و ادعا کرد پسری با تهدید چاقو قصد ربودن او را دارد. او به خانه یکی از دوستانش رفته و شب با آژانس برگشته اما مقتول سر کوچه مزاحم او شده بود. سریع خود را به سر کوچه رساندم و با پسر ناشناس درگیر شدم. او با چاقو یک ضربه به دستم زد من هم با کارد آشپزخانه که همراه داشتم چند ضربه به سرش وارد کردم. بعد هم او را در آن حالت رها کردم و به همراه همسرم به درمانگاه رفتیم. در آنجا بود که متوجه مرگ مقتول شدم. متهم درباره نقش همسرش در این قتل گفت: او فقط مرا تحریک می‌کرد که مقتول را با چاقو بزنم. البته بعد از درگیری او مدعی شد چند ضربه به پشت مقتول زده است اما من متوجه این ضربه‌ها نشدم. ساناز همیشه یک چاقوی کوچک همراه خود داشت اما در این درگیری از آن استفاده نکرد. بنا بر این گزارش بعد از اتمام دفاعیات متهم، هیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

زوج جوان، زن مسن را کشتند

■ **ایسنا:** زن و شوهری جوان در شهرستان شبستر از توابع آذربایجان شرقی، زن ۸۲ ساله‌ای را با انگیزه سرقت به قتل رساندند. کشف جسدی سوخته در شبستر، بازپرس ویژه قتل این شهرستان را به محل حادثه کشاند و در پی آن با احراز هویت صاحب جسد که زنی ۸۲ ساله بود، تلاش کارآگاهان برای شناسایی و بازداشت عامل یا عاملان این جنایت آغاز شد. با کشف برخی سرنخ‌ها، رد پای زوجی جوان در این جنایت کشف شد و ماموران با انجام تحقیقات بیشتر، مرد جوان را به عنوان مظنون بازداشت کردند. این مظنون پس از چند جلسه بازجویی لب به اعتراف گشود و گفت همراه همسرش پیرزن را با ضربات دیلم از پای درآورده و سپس جسد او را با بنزین به آتش کشیده‌اند. زن جوان نیز پس از بازداشت، به ارتکاب قتل با انگیزه سرقت و همدستی شوهرش اعتراف کرد.

دستگیری قاتل فراری پس از ۲۳ ماه

■ **ایسنا:** فرمانده انتظامی بندرانزلی از دستگیری متهم به قتل فراری پس از ۲۳ ماه در مخفیگاهش در شهرستان رشت خبر داد. سرهنگ رحیم شعبانی گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی در پی تیراندازی با سلاح کلت و وقوع قتلی در تاریخ ۲۳ شهریور سال ۸۹ در بررسی‌های کارشناسانه خود به یکی از بستگان سببی مقتول مشکوک شدند اما این مرد فراری بود. شعبانی افزود: سرانجام سرنخی از حضور متهم در رشت به‌دست آمد و ماموران با اخذ نیابت قضایی وی را دستگیر کردند. فرمانده انتظامی بندرانزلی با بیان اینکه متهم دستگیرشده به قتل معترف شد و انگیزه‌اش را اختلافات خانوادگی اعلام کرد، گفت: دو نفر از عاملان فروش اسلحه به شخص قاتل نیز دستگیر شدند.

اخاذی با عنوان مامور مخفی

■ **شرق:** دو مرد که خود را مامور مخفی معرفی و اقدام به اخاذی از شهروندان مسن می‌کردند، بازداشت شدند. ماموران کلانتری ابوسعید هنگام گشت‌زنی در خیابان کارگر جنوبی، تقاطع چهارراه لشگر بودند که ناگهان مرد مسنی در حالی‌که پریشان و مضطرب به نظر می‌رسید با مراجعه به آنان گفت: «دو جوان، که یکی از آنان در پمپ‌بنزین ایستاده بود، با من درگیر شدند و با استفاده از گاز اشک‌آور به سمتم حمله کردند و قصد اخاذی از مرا داشتند که توانستم از دست آنان فرار کنم.» ماموران بلافاصله آن محدوده را تحت پوشش قرار دادند و با اجرای طرح مهار موفق شدند متهمان را در حالی‌که قصد فرار داشتند متوقف کنند. در جریان بازرسی از متهمان اسپری گاز اشک‌آور و کارت شناسایی بدون شماره و مهر کشف و در جریان بازجویی‌های پلیسی مشخص شد متهمان از جاعلان مامورنمای حرفه‌ای هستند که طعمه‌های خود را اغلب از بین افراد مسن انتخاب می‌کردند و با معرفی خود به عنوان مامور مخفی از سوژه‌های خود اخاذی و زورگیری می‌کردند.

سرقت طلا با آبمیوه مسموم

■ **پلیس‌خبر:** زن جوانی که پس از تعارف آبمیوه حاوی مواد بیهوش‌کننده اقدام به سرقت طلاجات ۱۳ زن کرده بود، دستگیر شد. سردار «کشوری» فرمانده انتظامی استان کرمانشاه با اعلام این خبر افزود: این متهم ۳۵ساله که با کار اطلاعاتی ویژه ماموران پلیس آگاهی شناسایی و دستگیر شد در بازجویی‌های فنی و تخصصی به عمل آمده اعتراف کرد با همکاری دو همدست خود که یکی از آنان زن است اقدام به سرقت طلاجات ۱۳ زن کرمانشاهی به ارزش تقریبی ۷۷۰ میلیون ریال کرده است. این مقام انتظامی درخصوص شگرد متهم عنوان داشت: بررسی‌های به عمل آمده نشان داد متهم در ساعات گرم روز به مالباختگان که معمولا در تفرجگاه‌های سطح شهر در حال استراحت بودند مراجعه کرده و پس از آشنایی اولیه، به بهانه گرمای هوا آبمیوه حاوی مواد بیهوش‌کننده به آنها تعارف می‌کرد و با تاثیر دارو طلاجات آنها را به سرقت می‌برد. فرمانده انتظامی استان کرمانشاه افزود: در این رابطه با توجه به اعتراف صریح متهم، دو مالخر که اقدام به خرید طلاهای مسروقه کرده بودند نیز شناسایی و دستگیر شدند. فرمانده انتظامی کرمانشاه در خاتمه با اشاره به اینکه استفاده از آبمیوه حاوی مواد بیهوش‌کننده منجر به فوت یکی از مالباختگان شده است خاطرنشان کرد: دستگیری دو همدست متهم با جدیت در دستور کار ماموران قرار دارد.

نگاه

شرایط دشوار خانواده «تینا»

ناصر قاسمزاد
روانشناس و استاد دانشگاه

■ ۱-مرگ دختری جوان در حادثه خیابان «گاندی» که توسط پسر ۲۰ ساله‌ای به نام دارا رقم خورد، اتفاقی تلخ و دردناک است و قطعا والدین «تینا» (متوفی) ضربه و آسیب شدیدی دیده‌اند. قطعا از دست دادن عزیزی که سلامت، نخبه و دارای ویژگی‌های برجسته بود، بسیار دشوار است به همین سبب این خانواده به اورژانس روانشناسی و روانپزشکی احتیاج دارد چون ناگهان با فقدان دختری روبه‌رو شده‌اند و این حادثه ضربه بزرگی به آنها وارد کرده است. ۲- خانواده «تینا» می‌توانند با متهم این حادثه مدارا کنند. آنها که با بزرگواری اعضای بدن دختر خود را اهدا کرده‌اند، می‌توانند بار دیگر گذشت را به جامعه آموزش بدهند و با رفتار خداپسندانه خود برای دیگران و خانواده‌هایی که شرایط مشابهی دارند به الگویی مناسب تبدیل شوند. همچنین با گذشت و فداکاری رفتار درست و شایسته را به خانواده امثال دارا که فرزندانی ناهمگون تحویل جامعه می‌دهند، آموزش بدهند. ۳-رفتار دارا بیانگر وجود خانواده نابسامان و مشکل‌دار است. به عنوان مثال اعتیاد پدر او نشان‌دهنده آن است که این خانواده محیطی بیمارگونه داشته است. در این خانواده پدر و مادر وظیفه خود را فراموش کرده بودند و الگوی مناسبی برای دارا نبودند. دارا در واقع محصول ازدواج غلط و الگوی تربیتی نادرست است. می‌توان گفت شرایط خانوادگی، دارا را به کاندیدایی برای اعتیاد تبدیل کرد و او در نهایت سراغ موادمخدر رفت. همچنین چندین بار دستگیری نشان‌دهنده تاثیرات مخرب زندگی گذشته و موادمخدر بر داراست. فردی که مواد صنعتی مصرف می‌کند، هیچ‌گونه کنترلی بر رفتار خود ندارد و شرایطش عادی نیست. خانواده‌هایی مثل خانواده دارا باید شناسایی شوند و نهادهایی به وجود آید که از آنها حمایت کند تا حادثه‌ای مانند قتل در خیابان گاندی تکرار نشود. در واقع اگر بخواهیم به بررسی شرایط دارا بپردازیم درمی‌یابیم بخش مهمی از دلایل رفتارهای این پسر به خانواده برمی‌گردد. والدین «تینا» نیز باید این نکته را بدانند و توجه داشته باشند که فردی مانند دارا در شرایط جسمی و روانی متعادل نبوده که ما بتوانیم بگوییم مسوولیت رفتارش را به عهده بگیرد. در حقیقت رفتار او ناشی از مواد صنعتی و عوارض ناشی از آن بوده است. خانواده‌ای که درک داشته‌اند و بعد از آن اتفاقات و در شرایط روحی نابسامان تصمیم ارزشمندی گرفته و با اهدای اعضای بدن فرزند خود بیمارانی را نجات داده‌اند، قطعا برای تصمیم‌گیری در مورد دارا این نکات را لحاظ خواهند کرد.

حادثه‌ها

پیمانکار سابق اداره برق، دزد کابل بود

■ **شرق:** پیمانکار سابق اداره برق که ۲۴ فقره سرقت کابل انجام داده بود دستگیر شد. سرهنگ احمدی‌تبار رییس پلیس آگاهی استان کردستان با اشاره به اینکه متهم بعد از دستگیری در اعترافات اولیه خود به ۱۱ فقره سرقت سیم برق اعتراف کرده بود افزود: متهم به ۱۳ فقره سرقت سیم برق دیگر در سطح شهرستان سنندج با همدستی برادرش اعتراف کرد. سرهنگ احمدی‌تبار اظهار داشت: متهم در اعترافات خود بیان داشت چند سال پیمانکار بوده و با توجه به اینکه مدتی است معتاد به مواد مخدر شده، با استفاده از خودرو و با پوشیدن لباس فرم اداره برق اقدام به سرقت سیم برق می‌کرده است. رییس پلیس آگاهی استان کردستان با اشاره به اینکه برادر سارق نیز دستگیر شده است، عنوان کرد: با اعتراف متهمان دو نفر مالخر نیز بازداشت شدند.

کندوی زهر

■ **پلیس‌خبر:** فرمانده انتظامی شهرستان چاراویماق آذربایجان شرقی اعلام کرد: پلیس مبارزه با مواد مخدر با استفاده از دو قلاده سگ موادیاب موفق شد قاچاقچی سابقه‌دار را که به دفعات موفق شده بود از چنگال عدالت فرار کند، به دام بیندازد. سرگرد «شعفی» توضیح داد: در پی اعلام گزارشی مبنی بر اینکه فردی در پوشش کرکره‌سازی مبادرت به توزیع تریاک می‌کند، دستگیری وی برای چندمین بار در دستور کار قرار گرفت. وی گفت: ماموران هر بار با هماهنگی مقام قضایی وارد محل کار و سکونت وی می‌شدند ولی موفق نشده بودند موادمخدر را کشف کنند. وی گفت: این بار ماموران با دو قلاده سگ موادیاب سراغ متهم رفتند و ۳۰۷گرم ماده مخدر تریاک را که به طرز ماهرانه‌ای در کندوهای عسل جاسازی شده بود، کشف کردند.

اعتراف به ۱۳۷ سرقت

■ **شرق:** سه سارق حرفه‌ای بعد از دستگیری به ۱۳۷ فقره سرقت اقرار کردند. سرهنگ «حفیظ‌الله خواجوی» رییس پلیس آگاهی استان خوزستان در تشریح این خبر گفت: ماموران در پی افزایش اخبار مربوط به سرقت به عنف در جاده هویزه به اهواز رسیدگی به این موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی باند سارق به عنف را شناسایی و در اقدام غافلگیرانه سه نفر از اعضای باند را در مخفیگاهشان دستگیر کردند. وی در ادامه گفت: متهمان در بازجویی‌های پلیس به ۱۳۷ فقره سرقت و تجاوز به عنف اعتراف کردند. سرهنگ خواجوی در خاتمه با اشاره به اینکه متهمان با خودروی سواری طعمه‌های خود را سوار می‌کردند و در بین راه دست به سرقت می‌زدند خاطرنشان کرد: متهمان دستگیرشده با تشکیل پرونده راهی مراجع قضایی شدند.